

نقش تعاونی روستایی زنان در توسعه کارآفرینی

^۱سیده مریم صفوی مقدم

M_safavi66@yahoo.com

^۲دکتر بهروان

Behravan@um.ac.ir

چکیده

امروزه کارآفرینی به عنوان مزیت رقابتی ملت ها مطرح شده است و جوامع برای رسیدن به رفاه، خلق ثروت، اشتغال زایی و به طور کلی توسعه فردی و جمعی به آن نیاز دارند. تعاونی ها به عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد کشور می توانند محل مناسبی برای فعالیت های کارآفرینان و توسعه کارآفرینی باشند. زنان روستایی که در حدود نیمی از جمعیت روستاهای کشور و ۴۰ درصد از نیروی کار روستاهای را تشکیل می دهند، در صورت ایجاد زمینه های مناسب، می توانند در توسعه تعاونی های کارآفرین در مناطق روستایی نقش به سزایی داشته باشند. این مقاله تلاش دارد تا در جهت بررسی شناسایی عوامل و موافع تعاونی های زنان روستایی در توسعه کارآفرینی راه را برای تبیین سیاست های توسعه اشتغال و کارآفرینی روستایی از طریق ایجاد تعاونی ها هموار سازد. روش بکار گرفته شده، استنادی است و نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که زنان با ایجاد تعاونی ها می توانند فضای مناسبی را برای توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی فراهم نمایند. تعاونی ها می توانند یک اهرم مناسب برای توسعه اقتصادی به شمار آیند که همگام با سیاست های دولت در بهبود شرایط زندگی، کار، تولید و ارتقاء سطح درآمد و وضعیت اجتماعی ساکنان روستایی مؤثر باشند.

واژگان کلیدی:تعاونی، تعاونی روستایی، کارآفرینی

^۱ کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد

^۲ دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد

۱. مقدمه و بیان مسئله

فعال سازی ساکنان روستاهای ایران همچنین میتواند کمک شایان توجهی به تامین امنیت اجتماعی نموده و باعث کاهش حجم زیاد نامالایمات اجتماعی گشته و منجر به کاهش پدیده "مهاجرت روستا - شهری" شود.

ایجاد و راه اندازی کسب و کارها مانند کسب و کارهای خانوادگی و گروهی در روستاهای بدلیل وجود پیوندهای قوی اجتماعی و روحیه بالای مشارکت و تعاون در روستاهای بالاتر از شهرهای است. روحیه کار و تلاش و مسئولیت پذیری و التزام و تعهد به پیشرفت در میان جمعیت روستایی امنیت غذایی F.A.O، زنان در دهه اخیر بطور متوسط ۵۰ درصد از تولیدات کنندگان کشاورزی را بر عهده داشتند. عوامل تشکیل دهنده یک تعاونی به جای فردیت مبتنی بر جمع است. از این رو ماهیت جمعی فکر کردن و جمعی عمل کردن را با خود به همراه دارد. ثانیاً در تعاون سود شخصی به عنوان محور و یا هدف اصلی نیست و آراء و عقاید دیگران، حتی اگر حداقل سهام را داشته باشند مورد احترام واقع می‌شود.

سوال هایی که در این تحقیق در پی پاسخ به آنها هستیم بدین قرار است:
الف) تعاونی های زنان روستایی چه تاثیری در کارآفرینی روستا داشته اند؟

ب) ابعاد تاثیرگذاری تعاونی در زندگی و توسعه زنان روستایی چیست؟
ج) ویژگی ها و خصوصیات کارآفرین موفق در تعاونی روستایی چیست؟

۲. اهمیت و ضرورت موضوع

اهمیت موضوع به این دلیل است که تعاونی ها، سازمان ها و نهادهای مردمی هستند که در عین برخورداری از خصوصیات و مشخصات یک واحد اقتصادی و تجاری، دارای ارزش های مکتبی و اجتماعی هم میباشند و می توانند میان تلاش های دسته جمعی و گروهی اعضای تشکیل دهنده تعاونی برای نیل به اهداف مشترک و پیشرفت و توسعه باشند.

تعاون و همکاری متقابل می تواند زمینه های یگانگی هر چه بیشتر مردم را فراهم نماید به همین دلیل در قانون اساسی کشور به بخش تعاون در کنار دو بخش دولتی و خصوصی توجه خاص شده است. زیرا تعاون و گسترش آن در کشور موجب رشد و توسعه و پیشرفت

قشر عظیمی از مردم کشور ایران در نقاط روستایی به سر می بردند و با توجه به تحولات اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته، هنوز این قشر، از موهبت برخورداری از شرایط مناسب زندگی به سبب وجود موانع تاریخی، سیاسی و ساختاری بی بهره می باشند. با گذشت زمان و به وجود آمدن تحولات فضایی و مکانی شدید در حوزه های شهری و روستایی دست اندر کاران امر توسعه در صدد برآمده اند که برای بهبود وضعیت فوق و ریشه کن کردن پدیده فقر موجود در روستاهای که پیامدهای این نابسامانی ها دامنگیر حوزه های شهری نیز شده است راهکارهای را به مرحله اجرا درآورند. یکی از مباحث مهم در بحث توسعه و به خصوص توسعه پایدار، بهره گیری مناسب و بهینه از توانایی ها و استعدادهای زنان روستایی در جامعه است. زنان هر جامعه ای نیز بعنوان نیمی از جمعیت آن جامعه حق مشارکت در تمام ابعاد زندگی جامعه را دارند. از میان تمام تشکلهای مربوط به زنان، تعاونی های روستایی زنان یکی از سازمان یافته ترین آنهاست و بعنوان نهادی که نیمی از جمعیت فعل را در بر گرفته و مستقیماً با جامعه روستایی سروکاردار از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. توانمند سازی زنان روستایی و تقویت حضور زنان در مشارکت به نحوی که بتوانند مدیریت یک واحد حقوقی را بعده گیرند همچنین پیامدهای جهانی و کنفرانس های بین المللی زنان منجر به تاسیس اولین تعاونی روستایی زنان در ایران در سال ۱۳۷۳ ش. پس از تشکیل وزارت تعاون و شکل گیری ادارات تعاون استانها، تعاونی های بانوان ارزش چشمگیری برخوردار شده است، تعداد ۲۹۴ شرکت تعاونی زنان روستایی در سال ۸۸ با بیش از ۶۰۳۹۳ نفر عضو، ۱۳۶۲۸ میلیون ریال سرمایه و مجموع ذخایر ۱۴۲۷۰ میلیون ریال در سطح کشور تاکنون تأسیس و مشغول فعالیت هستند [۹].

زنان با حضور در تعاونیها علاوه بر برخورداری از مزایای اقتصادی در صحنه های اجتماعی نیز می توانند فعال باشند و فعالیت در گروههای زنان نیز به آنها کمک می کند تا حس خودبادی را که پیش نیاز مشارکت است به دست آورند و می توانند انسجام و همبستگی بیشتری را در روستاهای ایجاد کند. این تحقیق بیانگر این است که تعاونیها جایگاه مناسبی برای موفقیت کارآفرینان می باشد.

کنگره اتحادیه بین المللی تعاون (ICA) سی و یکمین اجلاس خودکه در منچستر در ۱۹۹۵ م برگزار گردید، ماهیت سازمانهای تعاونی را با توجه به تعریف ارزشها و اصول به شیوه زیر مشخص کرد:

• تعریف: تعاونی انجمنی مستقل و متشکل از افرادی است که بطور داوطلبانه برای تامین نیازهای مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعضا تاسیس شده و فعالیت خود را با مشارکت وبا مدیریتی مردمی به اجرا در می آورد.

• ارزشها: تعاونیها براساس ارزش‌های خودبیاری، خود مسئولیتی، دموکراسی، عدالت، انصاف و همبستگی بنا می‌گرددند و در عرف بنیانگذاران آن، اعضای تعاونی رفتاری منطبق با ارزش‌های شرافت، گشاده رویی، مسئولیت اجتماعی و کمک به دیگران دارند.

• اصول: تعاونی‌ها دارای اصولی هستند که از جمله آنها:

۱. داوطلبانه بودن عضویت و درهای باز.
۲. نظارت دموکراتیک اعضا.
۳. مشارکت اقتصادی اعضا.
۴. استقلال و عدم وابستگی^۴.
۵. آموزش، مهارت آموزی و اطلاع رسانی^۵.
۶. تعاون بین تعاونی‌ها [۱۴].

تعريف کارآفرینی

واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی Enterprendre به معنای متعهد شدن است. این اصطلاح برای اولین بار توسط کانتیلون به کار رفته است. کارآفرینی جوهره اساسی رشد و توسعه اقتصادی می‌باشد چرا که پیدایش کسب و کارهای جدید تاثیرات مثبت اقتصادی فراوانی از جمله شور و نشاط بخشی به اقتصاد بازار دارد. فعالیت‌های کارآفرینی باعث ارائه فراورده‌ها و خدمات نوین می‌شوند که شیوه‌های زندگی را تغییر می‌دهند [۷].

واژه کارآفرینی دارای تعاریف متعددی است که در این راستا می‌توان به چند تعریف زیر اشاره کرد:

۱- کارآفرینی فرایندی است که منجر به ایجاد رضایتمندی و یا تقاضای جدید می‌شود. کارآفرینی عبارت

اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی می‌شود و جامعه را به سوی استقلال و خوکفایی سوق می‌دهد. با توجه به این موضوع، اهمیت به موقعیت خاص زنان روستایی و ایجاد اشتغال برای آنان امری ضروری و دور از اجتناب است چرا که زنان نقش به سزاگی در اقتصاد روستائی و تولید دارند. به عبارت دیگر، بهره‌گیری واستفاده مناسب از فرصت‌های مناسب، همواره به عنوان یکی از پارامترهای اساسی توسعه انسانی مطرح می‌باشد.

از آن جا که بارزترین ویژگی‌های تعاونی‌های روستایی زنان در خودجوش بودن و مردمی بودن آن‌ها است، به دست گرفتن مدیریت توسط زنان و تصمیم‌گیری در خصوص مصوبات و اجرایی نمودن آنها توسط مدیر عاملان زن، نقش مدیریت زنان را در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ملموس تر می‌نماید زیرا تشکیل تعاونی‌ها پایگاه مناسبی در جهت پایداری روستا، افزایش نقش زنان در اقتصاد خانوار و جامعه و تأمین نیازهای اولیه براساس درخواست اعضاء و فروش محصولات تولیدی در بازار، شرکت در نمایشگاه‌های استانی و کشوری در جهت بازاریابی مناسب از محصولات تولیدی و در نهایت پر رونق نمودن اقتصاد خانوار روستایی که در جهت تأمین آن تلاش می‌شود را به دنبال خواهد داشت. یک فرد کارآفرین، منتظر سرمایه‌گذاری و ایجاد شغل از طرف دولت نیست. او خود با شناخت صحیح از فرصتها و استفاده از سرمایه‌های راکد، امکاناتی را فراهم نموده و با سازماندهی و مدیریت مناسب منابع، ایده خویش را عملی می‌نماید و بدین ترتیب نه تنها خودش شاغل می‌شود، بلکه بدون اتکاء به دولت، برای تعداد دیگری از افراد نیز شغل می‌آفریند که این امر در دراز مدت سبب کاهش نرخ بیکاری در کشور خواهد گردید [۲۷].

۳. تعریف مفاهیم

تعريف تعاونی

واژه (Co-Operation) را اولین بار رابت آون (1821) در مقابل واژه رقابت (Competition) به کار گرفت. تعاون را می‌توان نوعی کار و زندگی مشترک در سطوح گوناگون فعالیت‌های اجتماعی دانست [۱۵]. منظور از تعاون، گروهی متشکل از افراد است که با مشارکت یکدیگر بتوانند اموری را انجام دهند که یک نفر به تنها بی‌ قادر به انجام آن نیست.

^۱ Member Economic Participation
^۲ Autonomy and Independence
^۳ Education, Training and Information

۲. برخورداری زنان روستایی از شخصیت حقوقی در قالب فعالیتهای جمعی و گروهی.

۳. ایجاد اشتغال در خانوارهایی که زنان، سرپرستند.

۴. دسترسی به اعتبارات و امکانات در قالب تعاقنی و بهره‌وری از ابتكارات و هنرهای موجود در آنها.

۵. فراهم آوردن امکانات آموزشی موجود جهت ارتقای سطح دانش و بینش آنها.

در راستای اهداف فوق تعداد ۲۹۴ شرکت تعاقنی زنان روستایی در سال ۸۸ با بیش از ۶۰۳۹۳ نفر عضو، ۱۳۶۲۸ میلیون ریال سرمایه و مجموع ذخایر ۱۴۲۷۰ میلیون ریال در سطح کشور تاکنون تأسیس و مشغول فعالیت هستند [۹].

اهداف تعاقنی

مهمنترین و جامع‌ترین اهداف تعاقنی، اهدافی است که در قانون بخش تعاقن جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره شده است و عبارتند از:

۱) ایجاد و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل؛

۲) قرار دادن وسایل کار در اختیار کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند؛

۳) پیشگیری از تمرکز و دست به دست گشتن ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی؛

۴) جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت؛

۵) قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق بهره‌برداری مستقیم از حاصل کار خود؛

۶) پیشگیری از انحصار، احتکار، تورم و زیان به غیر؛

۷) توسعه و تحکیم مشارکت و تعاقن عمومی در بین مردم؛

۸) قرار دادن مدیریت، سرمایه و سود حاصل در اختیار نیروی کار و تشویق به بهره‌برداری از حاصل کار.

ویژگی‌ها و خصوصیات کارآفرین

پیتر دراکر (۱۹۸۵) کارآفرینی را فرآیند جستجو کردن، پاسخ دادن و بهره گیری از تغییر به عنوان فرصت تعریف می‌کند. کارآفرین را کسی میداند که فعالیت اقتصادی کوچک وجدیدی را با سرمایه خود شروع می‌کند. کارآفرینان را صرفاً عامل تغییر نمی‌داند بلکه می‌گوید آنان افرادی هستند که از فرصت‌های پیش آمده به

از فرایند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع به منظور بهره گیری از فرصت‌هاست [۷].

۲- کارآفرینی روشن اداره ای است که فرصت‌ها را بدون در نظر گرفتن منابع موجود و قبل کنترل فعلی تعقیب می‌کند [۱۰]. سازمانهای کارآفرینی از فرهنگی برخودارند که همه افراد سازمان با این که سلیقه‌ها وايدولوژی، نیازها و ویژگی‌های مختلفی دارند، نسبت به سازمان برداشت واحدی دارند. در سازمان کارآفرین جو بد-برد و اعتماد بین کارکنان و مدیران از سطح بالایی برخوردار است و افراد به جای حفظ منافع موقعیت خود بیشتر نگران اجرای ایده‌های جدید هستند.

تعاونی‌های زنان

بسیاری از تعاقنی‌های سنتی همچنان تحت سلطه ساختارهای حاکم هستند، برای استفاده از توان زنان در توسعه روستایی، ترویج مشارکت آنها در کارآفرینی تعاقنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است [۱۹]. در فعالیتهای کشاورزی که بسیاری از تعاقنی‌های سنتی همچنان تحت سلطه ساختارهایی هستند که برای مشارکت آزادانه زنان مساعد نمی‌باشند، یکی از گزینه‌های پیشنهادی بالقوه این است که زنان تعاقنی‌های مختص به خود را تشکیل دهند. در حالی که تلاش‌هایی در راستای بهبود وضعیت زنان در تشکل‌های تعاقنی موجود به عمل می‌آید، تاسیس تعاقنی‌های تحت رهبری بانوان یا تعاقنی‌هایی که اعضای آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند، نشان دهنده پتانسیل قوی برای ارتقای کارآفرینی زنان در بخش کشاورزی است (استفنز، ۱۹۹۵). علاوه بر این، تعاقنی‌های زنان دارای پتانسیل هایی برای تقویت کارآفرینی، درآمدزایی و توانمندسازی بانوان از طریق ارائه مزایای بالقوه می‌باشند. نخستین مزیت این است که می‌توانند همانند یک شبکه حمایتی عمل نمایند. این نوع تعاقنی‌ها فرصت تصمیم‌گیری عملی برای زنان را نیز فراهم می‌آورند [۱۸].

شرکتهای تعاقنی زنان روستایی

شرکتهای تعاقنی زنان روستایی جهت سهولت فعالیتهای تولیدی و ایجاد شخصیت حقوقی از طریق سازمان مرکزی تعاقن روستایی با اهداف زیر تشکیل شده است:

۱. ایجاد امکان فعالیت گروهی و استفاده از توان جمعی.

ایجاد جوامع محلی، ملی و بین المللی و یا دگرگون ساختن نمادهای اجتماعی و اقتصادی میدانست.

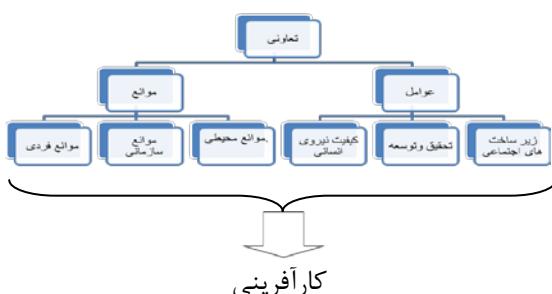
کارآفرینان باید بین منابع و ساختار فرصت، ارتباط برقرار نمایند. آنها همچنین گاهی اوقات تحت تاثیر روابط بنگاههای اجتماعی که آنها را بر می انگیزد، قرار می گیرند. کارلند^۸ نیز معتقد است که کارآفرین فردی است که جهت دستیابی به سود و رشد، شغلی را بوجود آورده و مدیریت می کند. رفتار خلاقانه وبکارگیری شیوه های استراتژیک مدیریتی در کار از خصایص کارآفرین است. ویژگی اصلی اورفتار نوآورانه است و از تجربیات مدیریت استراتژیک در فعالیت خود استفاده می کند.

لیبنشتاین^۹ (۱۹۶۸) کسی را کارآفرین می داند که با اجتناب از بی کفایتی هایی که دیگران با سازمان دارند به کامیابی دست می یابد. ویژگی عمدۀ دیدگاه وی آن است که تاکید می ورزد در دنیای واقعیات، کامیابی استثناء است و شکست قاعده می باشد. وجه اشتراک تمامی تعریف ارائه شده در مورد کارآفرینی از نظر پیتردر اکر (۱۹۸۵) عبارتند از:

۱. کارآفرینان در واقع ارزشها را تغییر می دهند و مهارت آنها را چار تحول می نمایند.
۲. کارآفرینان یک ویژگی مشترک دارند و آن اینکه مخاطره پذیرند.

۳. کارآفرینی همانا به کاربردن مفاهیم و فنون مدیریتی، استانداردسازی محصول، بکارگیری ابزارها و فرایندهای طراحی و بنا نهادن کار برپایه آموزش و تحلیل کارآنجام شده است [۲].

۵. مدل نظری تحقیق



خوبی استفاده کرده و با ایجاد تغییراتی، چیزهای جدیدی را می آفرینند لذا کارآفرینان همواره در جستجوی تغییر بوده و به آن حساسیت نشان می دهند [۴].

کارآفرینان در توسعه اقتصادی جامعه از جایگاه واهتمام ویژه ای برخوردارند. آنها با بهره گیری از زیروها و پتانسیل های خود قادرند حتی تنگناها و محدودیت های محیطی را به فرصت های طلایی تبدیل کنند.

۴. چهار چوب نظری

تعاون و همکاری یکی از عرصه های فرهنگی هرجامعه است. فرهنگ تعاون با توجه به شرایط آب و هوایی و شرایط اقتصادی، اجتماعی هر جامعه متفاوت است. در ایران فرهنگ تعاون در زمینه های گوناگون و با توجه به تنوع اقلیمی در شکل های مختلف وجود داشته است که بعنوان مثال می توان آنرا در بنه، صحراء، حراثه و غیره دید [۱۵].

ویلهلم هانس معتقد به اصولی است از جمله؛ شرکت تعاونی براساس "خودیاری" و سرمایه و سهام اعضا تشکیل می شود ولی رعایت این اصل مانع استفاده شرکتهای تعاونی از کمک های دولتی نیست، در صورتی که کمکهای دولت به استقلال شرکت لطمه ای وارد نزند خواهد بود. شرکتهای تعاونی کشاورزی باید از اسناد و برنامه های چند منظوره در یک زمان واحد پرهیز نمایند. هانس برای عملیات اقتصادی در شرکت های تعاونی تمرکز منطقه ای را پیشنهاد می کرد و معتقد به تشکیل اتحادیه های تعاونی منطقه ای در استان و مناطق بزرگ بود.

بنابر مباحث مطرح شده در تحقیق به اهداف و اهمیت تعاونی ها اشاره گردید در اینجا لازم است به نظریات مطرح شده در کارآفرینی نیز پرداخته شود تا گستره وسیع تری از تعاونی و نقش آن بر کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد.

رابرت لمب^۷ معتقد به نقش کارآفرین به عنوان تصمیم گیرنده است. وی تاکید داشت که کارآفرینی یک نوع تصمیم اجتماعی است که توسط نوآوران اقتصادی انجام می شود و نقش عمدۀ کارآفرین را اجرای فرآینده گستردۀ

^۸ J.C.Carland
^۹ Leibenstein

^۷ Self-help
^۸ R.K.Lamb

بررسی موانع و زمینه های آسیب پذیری شرکت های تعاونی زنان

- ب) موانع سازمانی
عمده ترین موانع سازمانی را مطرح شده در تعاونی ها را به شرح زیر دسته بندی می کنیم:
1. منابع انسانی:
 - الف) عدم استقبال زنان روستایی از عضویت در شرکت تعاونی و سرمایه گذاری واپسی نقش اجتماعی و اقتصادی از سوی آنان.
 - ب) عدم دسترسی به تجارب خبرگان و شاغلین با تجربه در حیطه فعالیت موردنظر.
 - ج) عدم نیروی کارمند خاص و صاحب مهارت در روستا.
 - د) نیاز به آموزش نیروی انسانی و مشکلات خاص آموزشی به دلیل عدم امکانات آموزشی.
 2. منابع فیزیکی:
 - الف) ناآشنا نیای اعضاء و مدیران شرکت ها با مطالعات مربوط به جایایی.
 - ب) عدم مهارت استفاده از امکانات در پتانسیل های موجود و در اختیار.
 - ج) کمبود و نبود مکان کسب و کار.
 - د) کمبود امکانات سخت افزاری و نرم افزاری.
 - ذ) مشکل تامین مواد اولیه.
 - ز) عدم دسترسی به بازارهای مناسب.
 3. منابع مالی
 - الف) فقدان سرمایه شخصی.
 - ب) عدم اعتماد زنان به شرکت های تعاونی و در نتیجه عدم استقبال آنان از سرمایه گذاری در شرکت [۱۲].
 - ت) عدم پشتونه های مالی و ضمانت های بانکی جهت دریافت وام.
 - ث) عدم ارائه تسهیلات بانکی.
 - که در نتیجه نبود یا کمبود منابع مالی مانع بر سر راه کارآفرینان قرار می گیرد و می تواند رشد و توسعه در جهت مطلوب و بهینه را با مشکل مواجه سازد.
 4. بازاریابی و فروش:
 - الف) وجود رقبای بزرگ اقتصادی که محصولات خود را بهترین نحو عرضه می کنند و تولید همان محصول با توجه به امکانات و سرمایه اندک شرکت های تعاونی امکان پذیر نیست.
 - ب) عدم تسلط به مهارت ها و تکنیک های مشتری مداری و مشتری گرایی.
 - ج) عدم شناخت کافی از بازار هدف.

تعاونی های روستایی در بین بانوان در عین اینکه منجر به ارتقای تحرک اجتماعی زنان، ایجاد شبکه های زنان و انسجام و یکپارچگی بین آنها می شود. اما با موانع منحصر به فردی در فرایند کارآفرینی و اشتغال‌زایی مواجه هستند. برای کارآفرینان زن، نابرابری در دسترسی به سرمایه، منابع و حمایت دولت، چالش هایی عمده محسوب می شوند. زنان اغلب نمی توانند برای کسب و کارشان به خاطر نداشتن حق مالکیت و مقام اجتماعی، از جایی وام دریافت نمایند. این امر عمده از عواملی همچون نابرابری های جنسیتی، مسئولیت ها و فشار کاری توان کارهای کشاورزی و خانگی و نبود خدمات اجتماعی و برنامه های دولتی حامی زنان ناشی می شود که در قالب سه رویکرد عمده می توان مطرح کرد.

1. موانع فردی: موانعی که برخاسته از محدودیت های شخصی اعضای و مدیران شرکت تعاونی می باشد
2. موانع سازمانی: موانعی که مربوط به درون شرکت و کسب و کار آنان است.
3. موانع محیطی: موانعی که مربوط به موانع فرهنگی، اجتماعی و تا حدی قانونی است.

(الف) موانع فردی
مهمن ترین موانع فردی که از سوی مدیران و اعضای شرکت های تعاونی شرکت ها عنوان می شود عبارتند از :

1. عدم توانایی در درک و شناخت موقعیت ها و فرصت ها و تهدیدها.
2. مشکلات و ناراحتی های روحی و روانی ناشی از ترس، اضطراب و استرس ناشی از شکست، جلب رضایت و حمایت خانواده و نگرش های اجتماعی مردم، عدم اعتماد به نفس وغیره.
3. عدم مهارت و توانایی در مدیریت، برنامه ریزی و سازماندهی امور و فعالیتهای تجاری و اقتصادی.
4. عدم دانش و مهارت کافی از دنیای تجاری و بازار کسب و کار و مشکلات ناشی از دستیابی به این دانش و مهارتها.
5. نقش چندگانه زنان با در نظر گرفتن خانواده و اجتماع و دنیای تجاری.
6. عدم توانایی علمی و اقتصادی در راه اندازی کسب و کارهای جدید [۵].

کسب درآمد و موجبات رشد اقتصادی و توسعه را پدید می آورد. در این مورد انعطاف پذیری و قابلیت انطباق بالا یکی از مشخصه های نیروی انسانی کارآفرین است.

۴. کیفیت مدیریت

قابلیت مدیریت در دنیا هر روز بر اهمیت آن افزوده می شود. کیفیت کارفرما از لحاظ جذب، رشد و نگه داری استعدادها می تواند کارآفرینی بالا را در پی داشته باشد. امروزه یکی از عوامل موثر توسعه کارآفرینی ایجاد یک کسب و کار دوستانه و دارای انگیزه برای همه افرادی است که می توانند به کارآفرینان موثری در حوزه کاری خود تبدیل شوند.

ترویج کارآفرینی زنان در مناطق روستایی ترویج کسب و کارهای کوچک و خرد، به طور فزاینده به عنوان ابزاری در ایجاد فرصت های شغلی مناسب و پایدار محسوب می شوند؛ مخصوصاً برای کسانی که از نظر اقتصادی در حاشیه قرار دارند، مثل زنان، افراد فقیر و افراد ناتوان جسمی (United Nations, ۲۰۰۵; ICA).

بنگاههای اقتصادی خرد، کوچک و متوسط، روشی حیاتی جهت توانمندسازی اقتصادی زنان در فرایند مبارزه با فقر و نابرابری جنسیتی شناخته شده اند. بسیاری دولت ها این بنگاه های اقتصادی را به عنوان موتور محركه رشد تلقی میکنند و ترویج اینگونه تشکلها نیز در کشورهای در حال توسعه به عنوان راهبرد موثر توسعه از طریق ایجاد مشاغل جدید و پیشبرنده نوآوری و پویایی اقتصادی، مورد پذیرش اکثر دست اندکاران منطقه ای و نهادی قرار گرفته است. با داشتن منبع درآمد و افزایش میزان دسترسی و کنترل روی منابعی از قبیل زمین، زنان توانایی بیشتری در کنترل زندگی خود به دست خواهند آورد. تحقیقات همچنین نشان می دهند؛ افزایش توانمندسازی اقتصادی زنان، مزایای دیگری نیز برای آنان در بردارد که از آن جمله می توان افزایش استقلال و عدم وابستگی مالی زنان، توانایی ایستادگی در برابر سوء استفاده همسران والگو قرار گرفتن برای دیگران در جامعه را نام برد.

در کشورهای کم درآمد منطقه آسیا و اقیانوسیه، بیش از ۷۰ درصد کل جمعیت در نواحی روستایی زندگی می کنند کسب و کارهای خرد و کوچک معیشتی زنان روستایی، نقش حیاتی و تعیین کننده ای در اقتصاد روستایی و در تضمین بقای زندگی خانوارهای فقیر ایفا می کنند کارآفرینی تعاضی در فرایند توسعه کشاورزی، به

د) وابستگی به واسطه های بازاربرای فروش محصولات و یا تامین مواد اولیه.

ذ) وابستگی بیش از حد به دولت جهت جذب بازار هدف.

ج) موانع محیطی:

مهم ترین موانع محیطی که فرا روی کار شرکت های تعاضی به شرح زیر است:

۱. عدم آشنایی با قوانین تجاری و دنیای کسب و کار.

۲. مشکلات ناشی از ثبت و اخذ مجوز فعالیت.

۳. نگرش های منفی و عکس العمل های ناشی از عملکرد زنان در روستاها.

۴. برخوردهای منفی برخی سازمانها و موسسات اقتصادی و اجتماعی با شرکت ها.

۵. نا امنی های اجتماعی.

ع) وابستگی شرکت تعاضی به دولت و تبدیل شدن آن به اهرم اجرایی بخش دولتی [۵].

عوامل موثر در کارآفرینی

۱. زیر ساخت های اجتماعی

یک زیر ساخت خوب کسب و کار می تواند پشتیبانی موثر برای فعالیت های تجاری باشد و باعث رشد مهمترین عامل تولید یعنی مردم، سرمایه معنوی آنان شود. همچنین تسهیل کننده توزیع منابع و جریان اطلاعات شود و محیط طبیعی کسب و کار را ارتقاء بخشد. همین امر رقابت پذیری را توسعه داده و نیروی انسانی را تشویق به انجام کار و خلق کارآفرینی می کند.

۲. تحقیق و توسعه

تحقیق و توسعه رابطه متقابلی با فرایند کارآفرینی دارد. سرمایه گذاری بلند مدت در این عرصه می تواند به ابداعات و فن آوری های جدید منجر شود و عرصه را برای رشد اقتصادی پایدار فراهم می آورد. فقر اطلاعات، دانش و تجربه منجر به مدیریت ضعیف و بهره وری پایین منابع انسانی می شود و این عامل منجر به فرایند تولید ضعیف شده که در نهایت عملکرد ضعیف شرکتها را به دنبال دارد.

۳. کیفیت نیروی انسانی

نیروی کار ماهر، انگیزه و نگرش مثبت به رشد و توسعه در عرصه کارآفرینی موجبات افزایش بهره وری و تقویت کسب و کارهای کوچک را فراهم می آورد. در این راستا آموزش و کسب مهارت نیروی کار باعث افزایش قدرت

- ۱۰) داشتن برنامه برای بالا بردن توان افراد از طریق آموزش و سپردن مسؤولیت بر اساس استعداد آنها.
- ۱۱) اعمال شیوه صحیح تشویق و تنبیه در سیستم مدیریت.
- ۱۲) افراد را در تصمیم‌گیری مشارکت دهد.
- ۱۳) روحیه انجام کار گروهی داشته باشد[۲۳].

۶.نتیجه گیری

جهان کنونی به این درک رسیده است که نیل به اهداف رشد و توسعه همه جانبه، تنها با بهره گیری از ذخیره عظیم توانایی نیمی از پیکره جامعه یعنی زنان در کنار مردان مقدور است. تحقیقات به عمل آمده نشان میدهد که کمک به توسعه فعالیتهای اجتماعی بانوان، مخصوصاً اگر با حفظ ارزش و کیان خانواده باشد، یک نوع سرمایه گذاری محسوب شده و دارای توجیه اقتصادی کافی می‌باشد.

حضور زنان روستایی در این فعالیتهای تولیدی گروهی، زمینه‌های مناسبی برای مشارکت آنان در توسعه روستایی است و در صورت سازمان دهی دقیق به عنوان نیروهای کارآمد در توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور خواهند بود. کارآفرینی روستایی تنها به معنای ایجاد اشتغال برای قشر عظیم روستاییان نیست، بلکه می‌تواند گامی باشد در راستای توسعه روستایی که به گفته بسیاری از صاحب‌نظران امر توسعه هم‌ارزش با توسعه اقتصادی است. بنابراین پرداختن به تاسیس شرکت‌هایی روستایی، توسعه صنایع تبدیلی و توسعه و ترویج تعاضی‌ها و خدمات کشاورزی اقدام مطلوبی درجهت نیل به هدف توسعه روستایی و کارآفرینی است. تجربه بسیاری از کشورهای فقیر پرجمعیت که طیف وسیعی از جمعیت آنان را روستاییان و کشاورزان تشکیل می‌دهند بیانگر این نکته است که توجه به مقوله کارآفرینی و توسعه روستایی می‌تواند از میزان مهاجرت روستاییان به شهرها بکاهد و زمینه‌های اشتغال، رفاه و پیشرفت آنان را در همان راستای محل سکونتشان فراهم آورد. در چنین وضعیتی، توسعه کارآفرینی و پایه ریزی مشاغل کوچک خانگی با بهره گیری از خلاقیت‌های فردی زنان به عنوان شاغلان پنهان جامعه روستایی، یکی از اولویت‌های مهم استراتژی‌های جهانی توسعه به شمار می‌رود که می‌تواند سهم بسزایی در توامندسازی مردم محلی، کاهش فقر و بهبود معیشت کشاورزان خرد پا و خوش نشیان جامعه روستایی داشته

توامندسازی اقتصادی افراد فقیری که در روستاهای زندگی می‌کنند کمک می‌کند.

نقش تعاضی زنان بر توسعه کارآفرینی

شواهد و قرایین موجود در جامعه، حاکی از این است که تعاضی بستر مناسبی برای کارآفرینی و به منزله یکی از پیش شرط‌های موفقیت تعاضی بوده و می‌توان گفت تعاضی‌ها نوعی اقدام جمعی سازماندهی شده به شمارمی آیند که بازتاب آن در فرایند کارآفرینی جمعی مصدق دارند[۱۴]. هنگامی که کارآفرینی به حوزه تعاضی وارد می‌شود می‌توان امیدوار بود که تعاضی با بهره گیری از فاکتورهایی از قبیل «خلاقیت و نوآوری»، «شناسایی و بهره‌گیری از فرصت‌ها» و «ریسک‌پذیری» می‌تواند، در فضای رقابتی کسب و کارها جایگاه قابل قبولی را برای خود ایجاد کرده و موفق عمل نماید. همانطور که می‌دانیم "خلاقیت"، توانایی خلق فکرهای جدید است که می‌تواند به ایجاد محصولات یا ارائه خدمات جدید منجر شوند. "نوآوری" نیز عبارت است از جست و جوی خلاق یا غیر عادی راه حل‌های تازه برای رفع نیازها و مسائل موجود. نوآوری و خلاقیت از اجزای لاینفک کارآفرینی‌اند و بهره گیری از این ویژگی‌های کارآفرینانه در تعاضی می‌تواند با ایجاد مزیت رقابتی، زمینه موفقیت تعاضی را در میان کسب و کار مشابه، فراهم آورد[۲۴].

بنابراین با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان ویژگی‌های مشترک بین کارآفرینان موفق و مدیران تعاضی موفق را اینگونه بر شمرد:

- (۱) انگیزه قوی از نظر فلسفی و اعتقادی برای شروع یک فعالیت اقتصادی داشته باشد.
- (۲) اعتماد به نفس داشته و خودباعر باشد.
- (۳) توان تصمیم‌گیری با توجه به شرایط مکانی و زمانی را دارا باشد.
- (۴) داشتن اراده و آمادگی لازم برای ایثار و فداکاری تا رسیدن به هدف.
- (۵) توان مشکل‌بایی و تشخیص تنگناها و قدرت حل مسئله را داشته باشد.
- (۶) روحیه انتقاد پذیری و مسئولیت پذیر داشته باشد.
- (۷) توان قضاوت با رعایت بی‌طرفی و عدالت را دارا باشد.
- (۸) نگرش سیستمی و تفکر بهره ور داشته باشد.
- (۹) روحیه توجه به رفاه کارکنان داشته باشد.

محصولات، کاهش بیکاری و بهبود وضعیت اقتصادی کشور را فراهم آورد.

د) کارآفرینی زمانی از احتمال بروز پیشرفت بیشتری برخوردار است که متناسب یک ارزش اجتماعی باشد. از این‌رو تعاونی هایی که ارزش افزایی اجتماعی آنان به خوبی شناخته شده است، بستره مناسب برای اقدام جمعی و کارآفرینی (در مقام یک شرکت، کسب و کار وغیره) به شمار می‌روند.

ه) در واقع تعاونی‌ها با بستر سازی برای همگرایی و هم افزایی دو خصیصه کنش ورزی یعنی؛ جمعی و کارآفرینی مصدق مناسبی برای کارآفرینی جمعی می‌باشد [۱۴]. اگر زنان و دختران روستایی که قشر عظیم جمعیت روستاهای و به همان نسبت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند به سمت کارآفرینی سوق داده شوند و روحیه کارآفرینی و مشارکت اجتماعی در آن‌ها تقویت شود، نیل به توسعه روستایی که زیرمجموعه توسعه پایدار کشور است سریع تر محقق خواهد شد.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی، ۱۳۸۱، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافرگی روستایی ایران، تهران.
۲. احمد پور، محمود، ۱۳۷۸، کارآفرینی ضرورت توسعه، مجله تدبیر شماره ۹۵، ص. ۵.
۳. احمد پور داریانی، محمود، ۱۳۸۰، کارآفرینی: تعاریف، نظریات والگوهای شرکت پردازی، ۵۷، چاپ سوم.
۴. احمد پور داریانی، مقیمی، ۱۳۸۵، مبانی کارآفرینی، فراندیش، تهران، ص. ۵-۲۰.
۵. برati، طوبی، ۱۳۸۸، شرکتهای تعاونی روستایی زنان شهرستان مشهد با نگاهی به دیروز و امروز، مجموعه مقالات اولین نشست تعاونی های زنان، وزارت جهاد کشاورزی سازمان مرکزی تعاونی روستایی ایران، ص. ۶۸.
۶. پورافضل، حسن، ۱۳۴۷، تعاون، دانشگاه تهران.
۷. ربانی، رسول؛ ابراهیم مسعود نیا، ۱۳۸۲، مطالعه‌ای بر پژوهی‌های شخصیتی افراد کارآفرین، مجله خلاقیت شناسی و کارآفرینی، دانشگاه مالک‌اشتر، سال اول، شماره ۲۰م.
۸. سرحدی، فریده؛ عادل ابراهیمی، ۱۳۸۲، گزارش بررسی چگونگی ایجاد تعاونی‌های زنان و مشارکت آنها در فرآیند توسعه، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۹. سالنامه آماری ۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۹۰، سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی
۱۰. صمد آقایی، جلیل، ۱۳۷۸، سازمانهای کارآفرین، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول، ص. ۹-۱۳

باشد. در عین حال مطالعات مختلف نشان می‌دهند که حتی در ممالک پیشرفته دنیا، جریان حرکت جوامع روستایی به سمت توسعه کارآفرینی به ویژه در مردم زنان تاحدزیادی کند است که این مسئله تحت تأثیر موانع متعدد و متفاوتی به وجود می‌آید. در ایران نیز اگر چه طی سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به موضوع کارآفرینی زنان روستایی شده و برنامه‌هایی نیز در راستای آموزش و حمایت از زنان روستایی کارآفرین به اجرا در آمده است، با این وجود هنوز تا دستیابی به وضعیت مطلوب راهی طولانی در پیش است و مشکلات فراوانی در این زمینه به چشم می‌خورد.

طبق آمار موجود در سال ۱۳۷۰ همزمان با تشکیل وزارت تعاون معادل ۱۴ درصد زنان بیکار برایشان کارآفرینی و شغل ایجاد شده است. همچنین طبق آمار سال ۱۳۸۷-۱۳۸۸ مشاهده می‌شود که در طی یک سال تعداد شاغلین در تعاونی‌ها افزایش یافته است که نشان از سیر صعودی ایجاد تعاونی‌ها و همچنین افزایش میزان سرمایه‌ها آنان شده است که می‌تواند در امر اشتغال‌زایی و کارآفرینی موثر واقع شود. براساس آمارهای ارائه شده وزارت تعاون، تعاونی‌های زنان ۱۴ درصد از کل اشتغال ایجاد شده توسط تعاونی‌ها را به خود اختصاص داده اند. حال آنکه سهم مربوط به سرمایه آنها تنها ۶درصد بوده است و این امر حاکی از توان اشتغال‌زایی بالای تعاونی‌ها زنان و نیاز کمتر آنها به سرمایه دارد [۱۵].

۷. پیشنهادات

(الف) پرداختن به توسعه کشاورزی، حمایت از کشاورزان و تولیدکنندگان روستایی به شیوه‌های متعدد (از قبیل حمایت مالی و اعطای وام‌های کم‌بهره‌ی طولانی‌مدت).
(ب) تشویق و تجلیل از تولیدکنندگان برتر و نمونه در سطح جامعه و معرفی آن‌ها به روستاییان.

(ج) افزایش تعداد تعاونی‌ها و تشویق روستاییان برای عضویت در تعاونی‌ها و بهره‌مندی از تسهیلات این نهادها و حمایت از کارآفرینان روستایی (که در حوزه‌های مختلف از جمله دامداری، باغداری، کشاورزی و خدماتی دست به نوآوری زده و فرصت‌های بیشماری را از نظر شغلی و غیره برای جوانان روستایی فراهم می‌کنند) گامی است که تبعات اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن در آینده‌های نزدیک نمود می‌یابد و می‌تواند زمینه خودکفایی در تولید بسیاری از

۱۸. Stephens, A., ۱۹۹۵. "Gender Issues in agriculture and Rural development Policy in Asia and The Pacific", Gender issues in agricultural development Policy in Asia and pacific, FAORAP, Bangkok.
۱۹. Kim, Y.C., ۲۰۰۴. Improving the Agricultural System: The Changing Role of Agricultural Cooperatives in Korea.
۲۰. Lundy, M., F.O. Carlos and B. Rupert, ۲۰۰۲. Rural Agro-enterprises, Value Adding and Poverty Reduction: A.
۲۱. Territorial Orientation for Rural Business Development (RBD). Rural Agro-enterprise Development Project, Centro.
۲۲. Internacional de Agricultura Tropical (CIAT). Cali, Colombia, South America.
۲۳. Brockhouse, R.H. and Herwitz P.S., ۱۹۸۶, the psychohogy of the entrepreneur.
۲۴. Chell,E. and Burrows, R.(۱۹۹۱) The small business owner- manager , in stanworth, J. and Gray,C.(eds) Botton ۲۰ years on: The small firm in the ۱۹۹۰'s , London: paul chapman, ch. ۷, pp. ۱۷۷-۱۵۱
۲۵. Malaysian Journal of Co-operative Management , Raja Maimon Raja Yusof Volume ۱, July ۲۰۰۵
۲۶. Hornaday, J. A. (۱۹۸۲), "Research About Living Entrepreneurs," in Encyclopedia of Entrepreneurship, ed. C.A. Kent
۲۷. Watkins, K. and V.B. Joachim, ۲۰۰۲. "Time to Stop Dumping on the World's poor", in International Food Policy Research Institute (IFPRI), Annual Report.
۱۱. صمدآقایی، جلیل، ۱۳۸۰، تکنیکهای خلاقیت فردی و گروهی (تئوری، مثال، تمرین)، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول.
۱۲. عmadی، پیام، ۱۳۸۲، کارافرینی، راهکاری برای توامند سازی زنان، مجله خلاقیت شناسی و کارآفرینی؛ بایزیصفحه ۲۸.
۱۳. عmadی، پیام، ۱۳۸۲، بررسی تاریخچه فعالیتهای آموزشی و ترویجی خاص زنان روستایی ایران، وزارت جهاد سازندگی، جلد دوم.
۱۴. عباسی، محمد، ۱۳۸۹، باور تعاقون (تعان در اندیشه و عمل)، موسسه توسعه روستایی ایران، چاپ دوم، تهران. ص ۱۶۴-۱۴.
۱۵. لا جوردی، جلیل، ۱۳۸۹، مدیریت تعاقونی ها، انتشارات حامی، چاپ اول، تهران. ص ۴۹ و ۵۰ و ۱۶۹.
۱۶. ناهید، منوچهر، ۱۳۴۶، نقش شرکت های تعاقونی در پیشرفت و توسعه کشاورزی، موسسه آموزش و تحقیقات تعاقونی. ص ۲۴۵-۲۴۴.
۱۷. محبوبی، محمد رضا، ۱۳۷۳، مشارکت اجتماعی زنان، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، جهاد سازندگی.